

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ فبروری ۲۰۲۱

قاتل "عاطف" کیست، طالب و یا دولت؟؟

سه شنبه- ۱۴ دلو ۱۳۹۹ - کابل: در خبر های امروز، رسانه ها از ۴ انفجار مرگبار در شهر کابل گزارش دادند، هر چند خون هیچ هموطنی نه بر خون هموطن دیگری رجحان دارد و نه هم کمی، و جای دارد تا به تمام قربانیان تجاوز امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی ادای احترام نمود، با آنهم در بین خونهای ریخته شده، برخی ها آماج اصلی حمله می باشند و برخی ها فقط بدچانس اند که در زمان و مکان مرگبار حضور دارند و رنه خود، هیچ گاهی بر مبنای نقش فردی شان در منازعات بین حاکمیت دست نشانده و رقبای خودفروش آن، کاندید مرگ نمی باشند.

یکی از افرادی که می شود گفت از مدتی بدین سو، می توانست آماج حملات تروریستی و مرگبار قرار گیرد تا این که امروز در اثر حمله ای در "نواباد" دهمزنگ، به قتل رسید، داکتر "محمد عاطف" که بعد از گرفتن ماستری در اسلام شناسی از پاکستان، بالای سند دکترایش در همان رشته در تاجیکستان کار می نمود و رئیس کمیته رهبری "جمعیت اصلاح افغانستان" بود. در یادداشت امروز توجه شما را به برخی نکات در همین زمینه جلب می نمایم:

۱- "جمعیت اصلاح افغانستان" که از سال ۱۳۸۲ بدین سو در افغانستان مستعمره و منقاد ستم امپریالیسم به وجود آمد و آهسته آهسته تشکیلات آن در سراسر افغانستان به صورت آرام، با ارائه خدمات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و صحتی گسترش یافت، یکی از جمله آن نهاد هائی به شمار می رود که اولاً ایجادشان را مرهون وضعیت اشغال شده کشور هستند و در ثانی با تمام تشکیلات گسترده ای که دارند، هیچ گاهی نگفته اند که منابع تمویل کننده آنها کدام افراد، نهاد ها و دولت ها می باشد و اصولاً وظیفه ملی و مذهبی فرد حین اشغال کشورش چه می باشد. یعنی این نهاد بدون آن که بگوید و بنویسد که اینهمه خاصه خرجی ها را از چه طریق تمویل می نماید، در برخی از موارد چیزی شبیه "دولت در درون دولت" تبارز داشته است.

۲- از آن جایی که در عمل از یک سو، به مثابه مکتب و مدرسه پرورش طالب عمل نموده و از جانب دیگر با ارائه خدمات اجتماعی بر زخمهائی که امپریالیسم و دولت دست نشانده بر مردم وارد نموده، مرهم گذاشته اند، در تمام حیات تقریباً ۱۷ ساله اش به جز یکی دو مورد محدود من جمله نقش پرستارانش در مبارزه علیه کرونا، نه با طالب درگیری علنی داشته است و نه هم با دولت، با اشغالگران که نه تنها درگیری نداشته، بلکه نورچشمی آنها به شمار رفته است.

از همین رو علی رغم آن که منابع تمویل آن هیچ گاهی آشکار نشده است، با آنهم عناصری که با چشمان باز در جامعه زندگانی می نمایند از طریق مطالعه عملکرد آنها و صحبت های اتفاقی که گاهگاهی با افراد آنها انجام داده اند، این نهاد

را در کل نیروئی می دانند که امپریالیسم در زمانش از آنها به مثابهٔ بدیل دولت دست نشانده و طالب، استفاده خواهد کرد. این که چنین حکمی در مورد آنها تا چه حد درست است، قضاوت در موردش ساده نیست، زیرا در شرایطی که کشور ما افغانستان قرار دارد و فرهنگی را که استعمار و دالر با خود آورده است، چنان تربیت افراد جامعه را متأثر ساخته که چیزی نمانده، برای جواب سلام نیز طلب پول نمایند، موجودیت اینهمه "خدائی خدمتگار" خود سؤال بر انگیز می باشد.

۳- برخورد طالب با آنها در تمام این سالها اگر نگوئیم دوستانه و برادرانه بوده به جرأت می توانیم بنویسیم که با نوعی تفاهم همراه بوده است آنهم در حدی که در تمام مناطق تحت تصرف طالب، کسی مزاحم کار آنها نبوده و نشده است. هرچند با دولت دست نشانده نیز به جز چند مورد محدود درگیری خاصی نداشته اند، اما ذات این که چه در همان آغاز ایجاد "شورای عالی صلح" در زمان کرزی و ریاست "برهان الدین ربانی" و چه هم امروز دولت دست نشانده هیچ گاهی از آنها در امر صلح نه مشوره گرفته و نه هم فردی از آنها را به حیث عضو پذیرفته، نشان می دهد که در این عدم التفات هرگاه، حفظ موقعیت آنها به مثابهٔ نیروی ذخیره، مطرح نبوده باشد، می تواند دال بر تعقیب یک سیاست نفی کامل آنها از جانب دولت دست نشانده به شمار آید.

۴- دیدار دور روز قبل "عاطف" با "عبدالله عبدالمود" آنهم در زمانی که طرح حکومت موقت و یافتن جانشین قابل قبول طالب در عوض "غنی احمدزی" و ساختار کلی که در تمام تقریباً ۱۷ سال گذشته این جمعیت پیدا نموده و در بسیاری از مناطق به مثابهٔ "دولتی در درون دولت" به حیاتش ادامه داده است، می تواند این تفکر را به وجود بیاورد که دولت دست نشانده در قتل وی مسؤولیت داشته است. یعنی بعد از دیدار "عاطف" با "عبدالمود" برای ارگ و "عبدالمود" مسلم شده است که وی را می باید به مثابهٔ رقیب قدرت، قبل از این که غیر قابل دسترسی بگردد، ضربت زد.

هوطنان گرامی!

ترور داکتر "عاطف" از همان مواردیست که می توان با ده ها دلیل هم طالب را در انجام آن مسؤول معرفی نمود و هم دولت دست نشانده را. سکوت باند ارگ در قبال قتل وی، تعریف و تمجید "عطاء" و عدم اکتفای طالب به انکار عمل و در عوض محکوم نمودن آن، همه نکاتی اند که می توان دولت دست نشانده را نیز در مظان اتهام قرار داد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!